

حاجی صادقی می گوید در نظام ولایتی، رئیس جمهور، رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه حق سیاست گذاری و نظریه پردازی ندارند؛ نظریه پرداز و سیاست گذار، خداست.

فرمانروایی خدا در روی زمین با ولایت است؛



عبدالله حاجی صادقی، نماینده ولی فقیه در سپاه در دومین روز بیست و هشتمین همایش سراسری هادیان و مسئولان سیاسی سپاه گفت:

جهاد کبیر نسخه اسلام در برابر جنگ نرم دشمنان است. جهاد کبیر، یعنی مجاهدت پیوسته و در مقابله با تلاش دشمن که می خواهد اراده و خواست خود را بر جامعه دینی تحمیل کند و این بسیار دشوارتر است از جهاد اصغر که در مقابل تهاجم نظامی دشمن انجام می گیرد. هدایت شأن ربوبی است. اولین هادی خود خداست و حتی به پیامبر (ص) می گوید هدایت دست من است و ما می خواهیم یک کار الهی و ربوبی را انجام دهیم. هدایت کار انبیا و اولیای خداست و این خودش یک الزاماتی دارد. هادی بودن غیر از سخنران بودن است و هم در بعد هدایت ارائه طریق است و هم رساندن به هدف مطلوب و این دو را با هم همراه دارد که اینها یک الزاماتی دارد. اول اینکه انگیزه و هدف ما هدایت مخاطب و بالا بردن و تعالی بخشیدن به اوست. هدف مان در بحث هدایت گری این است که این انسان ها بالا بیایند و رشد پیدا کنند؛ از این رو موضع هدایتی داشتن مهم است. به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از هفته نامه صبح صادق، او گفته:

در امر هدایت اخلاص لازم است. باید از خدا استمداد جست، تأثیر کلام دست خداست. باید دست نیازمان به طرف خدا بالا باشد که تأثیر کلام بگذارد. در واقع، تا تغذیه نشوید، نمی توانید هدایت کنید. هادی سیاسی کسی نیست که برود پشت تربیون سخنرانی کند؛ بلکه باید روش رفتار و مسلک وی دیگران را هدایت کند و دیگران پشت سر او حرکت کرده و از او الگو بگیرند. با این اوصاف دیگر لازم نیست او خیلی از مسائل را به زبان بیاورد و عمل او خودش دیگران را هدایت می کند، «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ يَغَيِّرُ أَلْسِنَتَكُمْ». امروز بزرگ ترین مشکلی که مردم ما نسبت به برخی از مدیران دارند، تعارض و تقابل بیان و عمل مسئولان است که خسارت سنگینی را برای نظام خواهد داشت. بی اعتمادی مردم به مدیران یک خطر است. بی اعتمادی مخالف موفقیت نظام است؛ یعنی رمز موفقیت نظام اعتماد مردم به نظام است. بعضی از مدیران پیاده نظام دشمن در اعتمادزدایی از مردم شده اند که این خیلی نگران کننده است. ما باید مواظب باشیم رفتار، اعمال و کردارمان به گونه ای نباشد که مردم از ما چیزی بشنوند و در میدان عمل چیز دیگری ببینند. از دیگر الزامات هدایت گری درک درست از نیازهاست و یک هادی باید متناسب با واقعیت ها کار خود را پیش ببرد. واقعیت امروز انقلاب این است که جغرافیای تأثیر انقلاب، کل جهان اسلام و حتی کره زمین است و نباید انقلاب را محدود و محصور در ایران بدانند. انقلاب اسلامی جبهه ای در تقابل با جبهه استکبار است و این در واقعیت صحنه یک جنگ بزرگ است و در تمام جغرافیای عالم گسترده شده است. نگرانی جبهه استکبار این است که انقلاب اسلامی هر روز دارد یک سنگر جدید را فتح می کند و استکبار را عقب می زند. از طرفی باید دید واقعیت های کشور چیست و حتی واقعیت های یک شهرستان یا استان چیست. این یکی از اقتضات هدایت گری است. از دیگر الزامات برای هدایت گری این است که بدانیم هادی اصلی خداست و لذا فردی که هادی است در جایگاه سنگینی قدم گذاشته است. در فرهنگ دینی ما سیاست بخشی از هدایت دینی است. سیاستی که ما به آن دعوت می کنیم، جزئی از دین ماست و لذا هادی سیاسی هادی به دین و مبلغ اسلام است. سیاست بخشی از هدایت کلی است که دین اسلام متکفل آن شده است و لذا از نظر ما رابطه سیاست با دیانت رابطه جزء با کل است؛ اما جزئی که اگر از آن غفلت شود، از کل دین غفلت شده است.

♦ سنت الهی غربال با آزمون

درباره حوادث گذشته بدانید که یک فلسفه و سنت الهی است. این سنت غربال شدن انسان ها است و امتحان و آزمون الهی این

است که جوهره انسان‌ها آشکار شود و خدا خودش این آزمون‌ها را به وجود می‌آورد تا انسان‌ها ظرفیت‌های خود را رونمای کنند و نشان دهند در واقعیت در کدام جبهه و در کدام سمت قرار دارند. تعبیر قرآن امتحان خیر و شر است و این سنت الهی است که همه با شر و خیر امتحان می‌شوند. «فتنه» در اصطلاح قرآن معانی متعددی دارد اما یکی از معانی‌اش «امتحان» و یکی دیگر از معانی‌اش فساد است و گاهی فتنه فسادانگیز امتحان است، به اصطلاح فتنه شر عامل آزمون می‌شود؛ چون کار فتنه به تعبیر امیرالمؤمنین (ع) تاریک‌کننده فضا است، به تعبیری مظلومه است. خداوند در ابتدای سوره عنکبوت می‌گوید، «آیا مردم فکر می‌کنند ما ایمان آنها را امتحان نمی‌کنیم؟» یعنی هر کسی ادعای ایمان کند یا ادعایی داشته باشد از طرف خداوند آزمون می‌شود اینکه کسی بگوید «ما اهل کوفه نیستیم علی تنها بماند» آزمون می‌شود که آیا گوینده این سخن آن را باور دارد و به آن باور عمل می‌کند یا نه. در واقع، باید اثبات شود در ایمان‌شان صادقند یا نه و این فتنه‌ها میدان آزمون صدق ایمان است. به عبارتی باید اثبات کنند وقتی شعار می‌دهند آیا هزینه آن را هم می‌دهند یا نه. سخت‌ترین فتنه‌ها هم در طول تاریخ اسلام و هم در نسل ما فتنه و امتحان بر سر «ولایت‌مداری» است. این خیلی فتنه سنگینی است و خیلی‌ها را می‌لرزاند و خیلی از خواص اینجا سقوط می‌کنند. در این فتنه‌های سنگین باید معلوم شود چه کسانی بر ولایت‌مداری صادقند، چرا؟ چون ولایت تجلی توحید ربوبی است؛ دستیابی به حقیقت توحید در روی زمین از راه ولایت است؛ تجسم و زمینی شدن توحید، ولایت است؛ فرمانروایی خدا در روی زمین با ولایت است و ولایت تجلی توحید ربوبی است و اینجا اگر کسی لرزید پس در اصل دین هم لرزیده است. ولایت‌مداری یعنی چه؟ ولایت‌مداری یعنی اگر پذیرفتیم این ولی خداست، باور کنیم که از خود حکمی نمی‌دهد و ولی خدا، مجری حکم است. در اسلام به تعبیر امام خمینی فقط قانون خدا حکم می‌کند. اگر باور کردیم، دیگر توقف و چون و چرا معنا ندارد. اگر جایی حتی حکمت این بیان حکم است را نفهمیدیم، نباید متوقف شویم. اگر حتی در اندیشه هم شک کردیم (که آیا این بحثی که ولی امر و امام معصوم و ولی فقیه امر کرده درست است یا نه) این صدق در ایمان نیست.

♦ باید نسبت به ولایت تعهد داشته باشیم

از ما خواسته‌اند که وقتی ولایت را پذیرفتیم، نسبت به آن تعهد داشته باشیم و چون و چرا نیاوریم و وقتی علت یک امر را نمی‌دانیم باز هم بدون چون و چرا آن را بپذیریم. مثل اینکه ما علت آن را نمی‌دانیم که چرا نماز صبح دو رکعت است، ولی امر خدا را اطاعت کرده و دو رکعت می‌خوانیم. امیرالمؤمنین (ع) نسبت به پیامبر (ص) تعهد دارند؛ انسان‌های برجسته را ببینیم. فرق سردار بزرگ جبهه کربلا، یعنی حضرت ابوالفضل(ع) را با محمد حنفیه ببینیم؛ محمد حنفیه تحلیلی با امام حسین(ع) رفتار کرد؛ اما ابوالفضل العباس تبعیدی برخورد کرد. داستان خضر و موسی هم در قرآن همین است. در جایی که موسی علت کارهای خضر را می‌فهمید به طور حتم تبعیت می‌کرد؛ اما وقتی علت را نمی‌داند و با ولی خدا به راه می‌افتد، دیگر بدون چون و چرا باید همراهی کند.

♦ تعهد به ولایت مبتنی بر عقلانیت

تعهد در برابر ولی خدا مبتنی بر عقلانیت است. یک عقلانیت پشت سر آن است؛ چون او حکم است را می‌گوید و این را بپذیرفته‌ایم. اصل عبودیت مبتنی بر دقیق‌ترین عقلانیت است؛ اما متن آن تسلیم بودن است. آیه ۶۵ سوره نساء خیلی تکان‌دهنده است. خدا به خودش قسم می‌خورد در مورد تبعیت از پیامبر (ص) و حاکم اسلامی که تبعیت‌کنندگان ضمن اینکه باید عمل کنند؛ نباید سرسوزنی هم نسبت به حکم ولی تردید داشته باشند. اگر کسی نسبت به حکم ولی خدا در جانش یک سختی احساس کرد، این هم قابل قبول نیست.

♦ سپاه خود را هزینه انتخابات نمی‌کند

اما در بحث انتخابات هم چند نکته وجود دارد؛ اول اینکه سپاه خود را هزینه افراد و جناح‌ها نمی‌کند. دوم اینکه باید به مردم بصیرت‌بخشی کرد که بدانند اولاً شرکت آنها اهمیت دارد و ثانیاً نوع انتخاب آنها خیلی برای آینده خودشان مؤثر است. در واقع، یک مجلس در تراز انقلاب برای گام دوم انقلاب نیاز داریم. انتخابات اسفند ماه اولین انتخابات در گام دوم انقلاب است. اگر قبل از این اتفاقات در ۴۰ سال گذشته گفته می‌شد رأی هر نفر یک مشت بر دهان استکبار است اما این بار می‌توان گفت نقش انتخاب مردم بیشتر شده است و در سرنوشت آنها تأثیر بسیار زیادی خواهد داشت؛ این مسئله باید برای مردم تبیین شود. نکته دوم اهمیت خود مجلس است و ممکن است یک عده نماینده‌ها شأن مجلس را پایین آورده باشند اما مجلس در ساختار کلی نظام جمهوری اسلامی ایران شأن بسیار بالایی دارد؛ هم شأن جهت‌دهی و هم شأن نظارتی و کنترلی. مجلس می‌تواند مجلس نظارتی و محکمی باشد، حتی اگر دولتی مثل بنی‌صدر باشد، می‌تواند آن را کنترل کند و نگذارد هر کاری می‌خواهد انجام دهد و رجایی را به عنوان نخست‌وزیر به فردی همچون بنی‌صدر تحمیل کند. نه آنکه یک خانم خارجی وارد آن می‌شود و نمایندگانش برای سلفی گرفتن سبقت می‌گیرند یا در اتفاقات دیگر که مسائلی در این مجلس داشتیم، نکته سوم تلاش دشمنان است؛ دشمنان از یک سو به دنبال کاهش مشارکت مردم در انتخابات با هدف کاهش اقتدار نظام هستند و از سوی دیگر برای نفوذ در مجلس پیگیری می‌کنند تا بتوانند در قانون‌گذاری و نظارت تأثیر داشته باشند. همراهی این انتخابات با انتخابات خبرگان هم قابل توجه است. نکاتی هم در زمینه باید‌های انتخابات باید مطرح شود. هادی سیاسی باید بتواند برای حضور حداکثری درست تحلیل و تبیین کند. در روزگاری می‌گفتیم شرکت در انتخابات هم حق است و هم تکلیف. امروز جنبه تکلیفی آن بسیار شدت گرفته است. برخی دارند مردم را سرد می‌کنند ولی اگر مجلس درست انتخاب شود، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. آنچه امروز اتفاق می‌افتد هم در دولت و هم در مجلس انتخاب خود مردم است؛ یعنی از ماست که بر ماست. پس انتخاب درست می‌تواند آینده روشن و بهتری را برای ما رقم بزند، لذا باید مردم را به مشارکت دعوت کرد؛ اما این موضوع را که به چه کسی رأی دهند، باید فقط با بیان شاخصه بگوئیم و وارد مصداق نشویم. خود شرکت در انتخابات سبب می‌شود آنهایی که نگاه اعتراضی دارند به اعتراض آنها توجه شود؛ چرا که اگر نماینده خوبی

انتخاب کنند و او در صحنه باشد و بر سر مسئولانی که خلاف حرکت انقلاب و مردم عمل می‌کنند، فریاد بکشد و برای نظام هزینه‌تراشی نکند، خودش عامل حل مشکلات و حل شدن اعتراضات است.

♦ شاخصه‌های مجلس تراز انقلاب

نماینده در تراز انقلاب باید دین داشته باشد و این دین داشتن تنها به مفهوم نماز خواندن نیست. دین باید در همه صحنه‌های زندگی نماینده تبلور داشته باشد. بیشترین ضربه را از آدم‌های خوردیم که نماز می‌خواندند و به اسم مسلمان بودن علیه اسلام عمل میکردند و نگاه‌شان به مجلس به مثابه یک طعمه بود. دومین انتظار از نماینده در تراز، بصیرت است. بصیرت را باید معنا کرد. در واقع بصیرت درک درست از واقعیتها و قدرت تحلیل درست است، در حالی که اگر همین مجلس فعلی را بررسی کنیم، می‌بینیم برخی از نمایندگان ما در این مجلس به راحتی از دیگران بازی خوردند و هنرپیشه بعضی از جریان‌های بیرونی شدند یا در مقابل فشارها سر خم کردند. موضوع بعدی ولایتمداری است. انتظار می‌رود یک نماینده مجلس در تراز انقلاب اسلامی در شاخصه ولایت‌مداری، تبعیت محض از ولی فقیه داشته باشد. در نظام ولایتی، رئیس‌جمهور، رئیس مجلس، رئیس قوه قضائیه و... حق سیاست‌گذاری و نظریه‌پردازی ندارد، نظریه‌پرداز و سیاست‌گذار خداست و در بعد زمینی آن ولایت است؛ این عزیزان مجری هستند. باید ولایتمداری را درست برای مردم تبیین کنیم تا بتوانند نماینده در تراز را انتخاب کنند. شاخصه دیگر اعتقاد به غلبه گفتمان مقاومت است. این موضوع در زمان حاضر اهمیت بیشتری دارد. اگر نماینده به این گفتمان معتقد باشد و بتواند از ۴۰ سال گذشته درس بگیرد، مطمئن باشید که مجلسی در تراز انقلاب اسلامی، پیشرو، بالابرنده و رشددهنده در کشور تشکیل خواهد شد. مردمی بودن به معنای درستش از دیگر شاخصه‌های نماینده تراز انقلاب است. باید باور نماینده این باشد که واقعاً نوکر مردم است. کوتاه نیامدن در برابر فشارها و استقامت در مسیر دیگر شاخصه نماینده در تراز انقلاب است. برخی تا یکجا می‌آیند اما زمانی که روبه‌روی خود یک فشار و مقاومت می‌بینند، تسلیم می‌شوند همانند مردمی از کوفه که دل‌شان با امام حسین(ع) بود؛ اما شمشیر این زیاد مانع می‌شد، چون می‌ترسیدند و نمی‌توانستند در برابر او ایستادگی کنند. وامدار نبودن نماینده یکی از شاخصه‌های بسیار مهم است. فردی که وام‌دار باشد و نمایندگی خود را فروخته باشد، نماینده مردم حساب نمی‌شود. نکته بعدی این است که باید مسئولیت را فرصت بدانند، نه یک طعمه. اگر چنین نماینده‌هایی وارد مجلس شدند، این مجلس می‌شود مجلسی در تراز انقلاب. خود مجلس در تراز هم شاخصه‌هایی دارد. چنین مجلسی چون درک درستی از واقعیت‌ها دارد، خط حرکت دولت را درست می‌کند و در مسیر انقلاب می‌آورد و نظارت را درست انجام می‌دهد. دشمن را هم خوب می‌شناسد و مقابله می‌آیستد. مجلس تراز، یعنی مجلسی طراحی شده در تراز انقلاب اسلامی نه جمهوری اسلامی؛ درست است که برای کشور تصمیم می‌گیرد اما نگاهش این است که این انقلاب جهانی است و می‌خواهد دنیا را نجات دهد با این نگاه که این انقلاب اسلامی زمینه‌ساز نهضت ظهور است و آن موقع به درستی عمل می‌کند.

♦ تبیین مطالبات و رهنمودهای رهبری

اما نکته بعدی این است که مواضع و مطالبات حضرت آقا باید به درستی برای مردم و نمایندگان و همه تبیین شود. اینکه دیدگاه ایشان چیست، خط‌گذاری و ریل‌گذاری ایشان چیست و بر اساس آن عمل شود. نکته بعد در مقابل ایجاد روحیه ناامیدی دشمن در مردم این است که باید در دل مردم روحیه امید ایجاد کرد. دشمن و اذنان آن دارند مردم را نسبت به آینده ناامید می‌کنند که آینده چه می‌شود و چه خواهد شد. البته عملکرد بد برخی مسئولان آن را تشدید کرده ولی باید برای مردم تبیین کرد که از اول انقلاب تا امروز نه تنها پشرفت نداشتیم بلکه هر روز پیشرفت داشتیم و این پیشرفت‌ها ادامه خواهد داشت و با حرکت درست مردم و انتخاب صحیح این مردم به طور قطع این پیشرفت‌ها تشدید می‌شود و از این فضاهای سخت به سرعت خواهیم گذشت و این لازم‌هاش یک انتخاب خوب است. باید به مطالبات مردم اهتمام داشت. چه مطالبات فرهنگی و چه مطالبات اقتصادی. از سویی منزلت سپاه و بسیج را باید حفظ کرد. منزلت اجتماعی سپاه را در انتخابات به هیچ وجه در سطح افراد و احزاب پایین نیاوریم. دولت‌ها می‌آیند و می‌روند، نماینده‌ها می‌آیند و می‌روند و آنچه می‌ماند و انقلاب، نظام و رهبری را نگه دارد، سپاه و بسیج است، از این رو قانون‌مداری در همه مراحل را در نظر بگیرید و احترام به مسئولان انتخاباتی هم باید مد نظر باشد. ورود نکردن به مصادیق و مباحث جناحی بسیار اهمیت دارد. این تدبیر نظام و رهبری است. ما در جبهه انقلاب بی‌طرف نیستیم. گرفتار افراط و تفریط هم نمی‌شویم. اینکه می‌گوییم مصداقی وارد نمی‌شویم، به معنای این نیست که ما نسبت به انتخابات بی‌تفاوت بوده و تنها یک مشاهده‌کننده هستیم. باید برای شکل‌گیری مجلس تراز انقلاب و حضور آگاهانه و انتخاب آگاهانه مردم با تبیین شاخصه‌های نماینده شایسته تلاش کنیم و باید این حرف‌ها را با مردم محکم بزنیم و مردم را روشن کنیم. اینکه ما یک نماینده بی‌حال، بی‌بصیرت و سازش‌کار نیاز نداریم و این بدترین چیزی است که ممکن است انقلاب گرفتار آن شود و ما این را نمی‌خواهیم. حتی می‌گوییم نماینده‌ای می‌خواهیم که هم نسبت به رهبری درک درست داشته باشد و هم عمل درست انجام دهد.

ما نمی‌توانیم نسبت به جبهه استکبار بی‌تفاوت باشیم. ما محافظه‌کار نیستیم. ما هم تولی داریم و هم تبری. تنها جایی که وارد نمی‌شویم مصداق‌هاست. اگر مصداقی وارد شویم این توهین به شعور مردم است. مثنی سپاه در حوزه سیاسی این است؛ چه در انتخابات و چه در غیر انتخابات.

مثل روال گذشته هیچ نامزد انتخاباتی نباید در این ایام در سپاه برای سخنرانی دعوت شود که شائبه تبلیغات انتخاباتی برای آن فرد ایجاد شود.

سپاه منزلت خود را خرج آدم‌ها نمی‌کند. سپاه هر چه خرج انقلاب کند، وظیفه‌اش است و هر چه خرج محرومان می‌شود باز هم کم است اما سپاه خرج آدم‌ها و جناح‌ها نمی‌شود و این موضوع باید رعایت شود.

[ولایت فقیه](#) [2]

[انتخابات](#) [3]